

بررسی دقیق مدفن حسین بن موسی الکاظم (ع)

دکتر سید حسن قریشی

(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور)

سارا زمانی رنجبر گرمرودی

(دانشجوی مقطع دکتری رشته تاریخ اسلام - دانشگاه پیام نور واحد قشم)

shquorishi@gmail.com

sara.zamani2011@yahoo.com

چکیده:

حسین بن موسی (ع)، فرزند بلافصل امام موسی کاظم (ع) است. وی به قصد دیدار امام علی بن موسی الرضا (ع) در حدود سال‌های (۲۰۱-۲۰۳هـ.ق) همراه با سایر برادرانش از مدینه عازم خراسان شد. متأسفانه در منابع، اطلاعات دقیقی راجع به زندگانی آن حضرت، سن او هنگام تولد و شهادت، چگونگی شهادت و نیز محل دقیق شهادت و مدفن این امامزاده ثبت نشده است.

از موضوعات مهمی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، بحث درباره سن این امامزاده هنگام شهادت و علل اختلاف در تعدد مزارها و مرقد‌های منسوب به آن بزرگوار است.

هدف نگارنده در این مقاله، بیان نسب، شخصیت و فضایل، محل شهادت و مدفن آن بزرگوار است که در منابع

تاریخی به صورت متفاوت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: امامزاده حسین بن موسی الکاظم (ع)، سن شهادت، محل مدفن، طبس، شیراز.

حضرت حسین بن موسی (ع)، یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام محسوب می‌شود که برخی از ابعاد شخصیت و زندگانی وی در پرده ابهام است. آنچه از گزارش‌های ثبت شده در لابه‌لای متون تاریخی درباره ایشان به دست آمده، متناسب با عظمت شخصیت این بزرگوار نیست. و تلاش برخی از نویسندگان در تدوین شرح احوال حسین بن موسی (ع) تا کنون نتوانسته است تصویری روشن از شخصیت، زندگانی و شهادت وی ارائه دهد. این کوشش‌ها، به طور عمد مصروف گردآوری و یا نقل اخبار و گزارش‌های پراکنده و گاه متناقضی شده که در میان متون تاریخی، احادیث و روایات درباره حسین بن موسی (ع) به جا مانده است.

از دیگر ویژگی‌های نوشته‌های به جا مانده درباره زندگانی حسین بن موسی (ع) و سایر امام‌زادگان (ع)، عدم شیوه مناسب تحقیق و اکتفا به منابع محدود و متشابه است. این نوع آثار، مخاطب را با حوادث مبهم و پیچیده روبه رو می‌کنند و گاه نیز او را نسبت به حقایق تاریخی گمراه می‌کنند. خاصیت این نوع از نوشته‌ها، آن است که نویسندگان را بر آن داشته تا دنباله‌رو گفته‌های پیشینیان باشند و از پژوهش و نقل درست مطالب درباره موضوع مورد نظر، بازمانند.

بخشی مهمی از زندگانی حسین بن موسی (ع) و دیگر برادران بزرگوارش، مقارن با ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (ع) در سال (۲۰۱هـ.ق) است. متأسفانه، در منابع، اطلاعات لازم در ارتباط میان این ماجرا و حرکت کاروان احمد بن موسی (ع) و برادران وی به سمت خراسان (مرو) وجود ندارد. همراهی حسین بن موسی (ع) در کاروان احمد بن موسی (ع)، زندگانی مخفی و نیز بررسی مزارهای منسوب به وی در شهرهای مختلف به ویژه طبرس و شیراز، از دیگر مباحث مهم پژوهش راجع به این امام‌زاده است.

سه سوال اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱. حضرت حسین بن موسی کاظم (ع) از رجال حدیث و روایت به شمار می‌آمده یا شخصیت ایشان صرفاً در امام‌زاده بودن خلاصه می‌شد؟

۲. حضرت حسین بن موسی کاظم (ع)، در چه سنی به شهادت رسید؟ آیا دارای نسل بوده است یا خیر؟

۳. آیا محل شهادت و مکان مدفن حسین بن موسی (ع)، در یک مکان است یا در دو مکان متفاوت؟ (آیا محل شهادت در یک مکان است و محل مدفن در جای دیگر است؟)

نسب، شخصیت و فضایل حسین بن موسی الکاظم (ع)

حضرت حسین بن موسی (ع) از جمله امامزادگان است و مورخان او را فرزند بلافصل^۱ امام موسی کاظم (ع) و برادر کوچکتر حضرت احمد بن موسی (ع) می‌دانند.

مأمون در سال (۲۰۱ هـ.ق) هنگامی که در مرو اقامت داشت، امام رضا (ع) را به ولیعهدی خویش منصوب کرد و از ایشان خواست که به مرو بیایند. حضرت رضا (ع) بعد از ولیعهدی و سفر به مرو، تمام فرزندان، برادران و خواهران خود در مدینه، یعنی اولاد امام موسی کاظم (ع) را، که از سوی کارگزاران خلیفه آزار می‌دیدند، را به سوی مرو و ایران فراخواند. حسین بن موسی (ع) نیز به قصد دیدار برادرش امام علی بن موسی الرضا (ع) در حدود سال‌های (۲۰۱-۲۰۳ هـ.ق) همراه با سایر برادرانش از مدینه عازم خراسان شد. (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۰۶؛ صاحب تاجر شیرازی، ۱۳۳۵ هـ.ق: ۱۵۴؛ شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۴۸/۳۱۲) فرزندان و نوادگان امامان معصوم (ع) از پدران خود اخلاق اجتماعی و نیک‌رفتاری در جامعه را به ارث برده‌اند. از این حیث می‌توان گفت همه امامزادگان از لحاظ ارتباطات جمعی، به حسن سلوک در بین مردم شهره عام و خاص بوده‌اند، و همین ویژگی، انتخاب یک امامزاده را از لحاظ ویژگی‌های اجتماعی دشوار می‌کند. در فضیلت شخصیت و بلندی مقام حسین بن موسی (ع) نیز مانند دیگر امامزادگان، سخن بسیار است. در این فضایل، همه نسب شناسان، علمای رجال، محدثان و مورخان در آن‌ها اتفاق نظر دارند که در این‌جا با رعایت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

به عنوان مثال: بزنی روایتی را نقل کرده که از امام جواد (ع) پرسیدند: « کدام یک از عموهایتان نسبت به شما نیکوکارترند؟ » فرمود: « حسین ». امام جواد در پاسخ شخصی که پرسیده بود: « کدام یک از عموهایت به شما مهربان‌تر است؟ » فرمودند: « حسین ». وقتی امام رضا (ع) شنیدند فرمودند: « به خدا سوگند راست گفته است، وی نسبت به ایشان از همه نیکوکارتر و خیرخواه‌تر بود. » (ای عمومتک ابر بک؟ فقال: الحسين، قال الامام الرضا (ع) صدق والله، و هو ابرهم و اخيرهم.) (قرشی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۲/۴۱۸)

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا (ع)، داستانی را به نقل از حسین درباره برادرش امام رضا (ع) بیان می‌کند که نشان می‌دهد آن حضرت دارای علم امامت هستند. وی در این‌باره می‌نویسد: « ما گروهی از جوان‌های بنی‌هاشم در اطراف برادرم ابوالحسن الرضا (ع) جمع بودیم؛

۱. فرزند بلافصل (بلا واسطه) را امامزاده می‌گویند.

ناگهان جعفر بن عمر علوی با قیافه ژولیده از آنجا عبور کرد. ما به یکدیگر نگاه کردیم و به جعفر خندیدیم. امام رضا(ع) رو به ما کرد و فرمود: "به زودی او را خواهید دید که دارای ثروت و پیروان زیادی می شود." حسین بن موسی می گوید: بیش از یک ماه نگذشته بود که وی والی مدینه شد و کارش سروسامان گرفت و با خدم و حشم رفت و آمد می نمود.» (شیخ صدوق، ۱۳۹۰هـ.ق: ۲/۲۰۹)

شیخ صدوق نیز در جای دیگری از همین کتاب (عیون اخبارالرضا(ع)) به نقل از حسین می نویسد: «یک روز که هوا کاملاً صاف بود و اثری از ابر در آسمان ظاهر نبود، با ابوالحسن الرضا(ع) به بیابان رسیدیم. به من فرمود: "آیا با خود لباسی برداشته اید که شما را از باران حفظ کند؟" گفتم: "خیر، چه نیازی داریم؛ هوا که ابری نیست و خبری از آمدن باران نیست!" فرمود: "اما من با خود آورده ام و شما را به زودی باران خواهد گرفت." اندکی نرفته بودیم که ابری در آسمان پدید آمد و بر ما باریدن گرفت. همه به فکر خود بودیم کسی از ما باقی نماند مگر آن که خیس شده بود.» (شیخ صدوق، ۱۳۹۰هـ.ق: ۲/۲۲۳)

حسین می گوید: من و علی بن جعفر در مدینه خدمت امام جواد(ع) بودیم. مردی از اعراب در آن مجلس نشسته بود. مرد عرب پرسید: این جوان کیست؟ و با دست به امام جواد(ع) اشاره نمود. گفتم: این وصی رسول خدا(ص) است. گفت: سبحان الله، اکنون رسول خدا دویست سال است که از این جهان رفته و این جوان چگونه می تواند وصی آن حضرت باشد؟ گفتم: این وصی علی بن موسی است و او وصی موسی بن جعفر و جعفر بن محمد، وصی محمد بن علی و محمد وصی علی بن الحسین، علی وصی حسین، و حسین وصی حسن، و حسن وصی امیرالمومنین علی بن ابی طالب و علی بن ابی طالب وصی رسول خدا(ص) است. (کشی، بی تا: ۴۲۷-۴۲۸؛ خویی، ۱۴۰۳هـ.ق: ۶/۹۸)

این گزارش ها، نشان می دهد که حسین به مسأله امامت اعتقاد داشته و از آن تبلیغ و دفاع نموده است. و امامان معصوم(ع) به ویژه امام رضا(ع) و امام جواد(ع)، حسین بن موسی(ع) را تأیید فرموده اند و با توجه به اعتقاد حسین به مسأله امامت و خاضع بودن او در این مسأله، از حسین بن موسی(ع) به نیکی یاد نموده اند.

خط سیر حرکت کاروان احمدبن موسی(ع) از حجاز به ایران

سادات بر حسب موقعیت اجتماعی و زمانی عصر خویش و با انگیزه‌های متفاوتی پا به سرزمین ایران گذاشتند. پس از ورود اسلام به ایران از قرن نخست هجری، اولین گروه بنی‌هاشم وارد ایران شدند. این مهاجرت در نیمه قرن دوم هجری یا اندکی بیشتر، و سپس در اواخر قرن دوم تا نیمه قرن سوم ه.ق، شتاب زیادی گرفت.

از جمله عوامل مهاجرت سادات به سرزمین ایران، ولایت‌عهدی امام‌رضا(ع) در خراسان است. آن حضرت، پس از رسیدن به ولایت‌عهدی، نامه‌ای به سادات مدینه نوشت و آنان را به ایران دعوت کرد. در پی آن، عده‌ای از سادات موسوی، حسنی و حسینی یا به شوق دیدار امام‌رضا(ع) و یا پس از با خبرشدن از توطئه مأمون و شهادت امام‌رضا(ع)، عازم ایران شدند که در این رابطه می‌توان به کاروان احمدبن موسی(ع) و برادران وی به ایران، اشاره کرد. (مرعشی، ۱۳۶۸: ۲۷۵) در این سفر، احمدبن موسی(ع) به همراه دو تن از برادرانش به نام‌های سیدمیرمحمدعابد(ع) و سیدعلاءالدین حسین(ع) و نیز گروه زیادی از امام‌زادگان، علویان و شیعیان به قصد زیارت امام‌رضا(ع) از مدینه راهی خراسان شدند. در منابع تاریخی، شمار امام‌زادگانی که همراه احمدبن موسی وارد ایران شدند، از هفتصد تا پانزده هزار نفر ذکر شده است. (عرفان منش، ۱۳۷۷: ۵۷)

مسیر حرکت احمدبن موسی و برادرانش از مدینه به سوی خراسان(مرو)، از یکی از راه‌های متداول آن زمان عبور می‌کرد که غالباً گذر از راه بصره، اهواز، بوشهر و شیراز بوده است. (همان: ۵۲) شرح منازل و مسافت‌های میان مدینه تا بصره در منابع جغرافیایی با ذکر جزئیات آن آمده است. ابن خرداد به در المسالک و الممالک، قدامه بن جعفر در کتاب الخراج، یعقوبی در البلدان، ابن‌رسته در الاعلاق‌النفیسه، جیهانی در اشکال العالم، اصطخری در المسالک و الممالک، ابن‌حوقل در صوره الارض و ابن بلخی در فارسنامه، شرح‌های جداگانه‌ای از این مسیر ارائه داده‌اند. (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۲۶-۲۸؛ ابن بلخی، ۱۳۴۳: ۱۲۴ و ۲۳۱؛ ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۳۲۱؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۵؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۰، ۴۴، ۵۴-۵۶)

روی هم رفته یک مسیر عمده از طریق ارجان (بهبهان) به سمت خالار، جویم(گویم) و شیراز ختم می‌شد. از این مسیر در میانه راه، دو شاخه فرعی دیگر جدا می‌شد که یکی در امتداد راه باستانی شوش و اصطخر قرار می‌گرفت و دیگری به سمت جنوب متمایل می‌گشت و از ناحیه گنبد ملغان و کشن به شیراز می‌رسید. همین راه، مسیر احمدبن موسی(ع) و برادران گرامی‌اش بوده

است. مناطقی که مورخان در ماجرای نبرد احمد بن موسی (ع) و برادرانش با دشمنان از آن یاد می‌کنند، خان‌زنیان و کشن است. بنابراین مسیر حرکت کاروان احمد بن موسی (ع) و برادرانش از « پل اربق » در اهواز به نخستین منزلگاه فارس « سوق السبیل » در شش فرسخی ارّجان (بهبهان)، قدمگاهی موسوم به امام رضا (ع) واقع شده که به نظر می‌رسد این کاروان، از آنجا عبور کرده است. ادامه این مسیر از ارّجان به شیراز در فارسنامه با جزئیات بیشتری آمده است. (عرفان منش، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۶)

جایگاه روایی حسین بن موسی کاظم (ع)

برخی از علمای علم رجال و محدثان و راویان، حسین بن موسی (ع) را از راویان مورد اعتماد بر شمرده‌اند که روایت‌هایی از پدر بزرگوارش امام موسی کاظم (ع) و برادرش امام رضا (ع) و یا به واسطه، از مادرش، امّ احمد، نقل کرده است. شیخ صدوق، در عیون اخبار الرضا (شیخ صدوق، ۱۳۹۰هـ.ق: ۲/۳۵۳)، کلینی در الکافی (کلینی، ۱۴۱۳هـ.ق: ۶/۵۲۳) و شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و امالی (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۱هـ.ق: ۱/۳۶۵؛ همو، ۱۳۸۴هـ.ق: ۱/۳۶۵) نمونه‌هایی از آنچه که حسین بن موسی (ع) روایت کرده است، آورده‌اند که به عنوان مثال، به دو نمونه زیر اشاره می‌شود:

حسین بن موسی (ع) از جعفر بن عیسی نقل می‌کند: در مکه خدمت امام صادق (ع) بودیم و امام از عبدالله پسر اعین پرسیدند. گفتم: فوت کرد! فرمودند: به رحمت خدا رفت؟ عرض کردم: بله. فرمودند: آیا در کنار قبر او نماز و دعا کرده‌اید؟ عرض کردم: بله. فرمودند: نکرده‌اید. اما ما در اینجا برای او دعا می‌کنیم. سپس دست‌های مبارک خود را بلند کردند و از خدای متعال برای او رحمت و آمرزش طلبیدند. (طوسی، ۱۴۰۱هـ.ق: ۱/۳۶۵)

حسین بن موسی (ع) گفت: در خدمت پدرم حضرت کاظم (ع) با مردی در کنار قبر رسول خدا (ص) بودم. پس به او نگاه کردم. دیدم دستش را حنا زده است. بعضی از مردمان مدینه گفتند: مگر نمی‌بینید که چگونه دست خود را به حنا رنگ کرده است. پس امام (ع) به او توجه کردند و فرمودند: آیا می‌خواهید برای شما خبر دهم از آنچه نمی‌دانید؟ پس نظر کرد به سوی ما و فرمود: هر کسی بعد از فراغت نوره حنا بزند، در هر جای بدن که مو می‌روید، از امراض سه‌گانه دیوانگی، خوره و پیسی مصون می‌شود. (کلینی، ۱۴۱۳هـ.ق: ۶/۵۲۳)

فرزندان (اعقاب) حسین بن موسی کاظم (ع)

درباره فرزندان حسین بن موسی (ع) اقوال متعددی نقل شده است. تعدادی از منابع انساب، حسین بن موسی (ع) را دارای نسل می‌دانند و ذکر می‌کنند که وی فرزندی داشته است. نویسنده عمده الطالب از قول ابن طباطبا، چنین نقل می‌کند: « حسین بن موسی دارای نسل بوده و عبدالله و عیدالله و محمد از نسل او در طبرستان بوده‌اند. » (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۹۸) عیدلی در تهذیب الانساب نیز، عبدالله، عیدالله و محمد را از فرزندان حسین می‌داند. (شیخ الشرف عیدلی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۱۶۶) نویسنده الفخری نیز او را دارای نسل می‌داند. (مروزی علوی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۲۱) ابونصر بخاری در سلسله العلویه و امام فخر رازی در الشجره المبارکه، او را بدون نسل دانسته است. ابونصر بخاری می‌گوید که از وی، فرزندی متولد نشده است. (بخاری، ۱۳۸۱ هـ.ق: ۴۱ ؛ فخر رازی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۹۹)

عمری در المجدی می‌نویسد: حسین بن موسی فرزند داشته اما نسل او منقرض گردیده است. (عمری، ۱۴۲۲ هـ.ق: ۲۹۹) روضاتی نیز در جامع الانساب، نیز همین نظر را دارد. بنا به گفته او (روضاتی)، حسین بن موسی کاظم (ع)، فرزندی داشته که نسل آنها منقرض شده است. (روضاتی، ۱۳۳۵: ۱/۴۲) همچنین کیانی در سراج الانساب، تصریح می‌کند که از حسین بن موسی کاظم (ع)، فرزندی متولد شده اما نسل آنها منقرض شده است. (کیانی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۷۲)

مدفن حسین بن موسی (ع) (در جست و جوی مزار امام زاده حسین (ع))

درباره مدفن حسین بن موسی (ع) اختلاف است. چند مکان را به عنوان مدفن او ذکر نموده‌اند که عبارتند از: طبرستان، قزوین، جوپار کرمان، شیراز، کوفه.

قول مورخانی که معتقدند امام زاده حسین (ع) در طبرستان دفن است به قرن پنجم هجری قمری برمی‌گردد، زیرا قبل از این تاریخ، هیچ‌گونه اطلاعاتی در منابع وجود ندارد. اقوالی که مدفن حسین را در شیراز ذکر می‌کنند، به اوایل قرن هشتم هجری قمری برمی‌گردد و از متقدمین: حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (حدود ۷۳۰ هـ.ق) (مستوفی قزوینی، ۱۳۴۶: ۲۰۴)، ابن زکوب شیرازی (حدود ۷۳۴ هـ.ق) در شیرازنامه، عیسی بن جنید شیرازی (حدود ۷۹۱ هـ.ق) در هزارمزار (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۰۵) و علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ هـ.ق) در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۴۸/۳۱۲) و از متأخرین: فسایی شیرازی (متوفی ۱۳۱۶ هـ.ق) در فارسنامه ناصری (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۸۸)، فرصت الدوله (متوفی ۱۳۳۹ هـ.ق) در آثار العجم (شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۵۳)،

سلطان الواعظین (متوفی ۱۳۵۰ هـ.ش) در شب‌های پیشاور (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۲۴) و ملک الکتاب شیرازی در ریاض الانساب (صاحب تاجر شیرازی، ۱۳۳۵ هـ.ق: ۱۵۴) آن را ذکر می‌کنند و پذیرفته‌اند که مدفن او در شیراز است.

چگونگی شهادت و محل دفن حسین بن موسی (ع)

مدتی پس از آنکه امام رضا (ع) در سال (۲۰۰ هـ.ق) به وسیله عمال مأمون عباسی از مدینه به خراسان هجرت کردند، برادران بزرگوار ایشان به وسیله نامه برای حرکت به سمت خراسان اجازه گرفتند. مأمون از این قضیه به نفع خویش (برای از میان برداشتن سادات) استقبال فراوان نمود و همگی آنان را به حضور طلبید.

در این سفر، سید امیراحمد (شاهچراغ)، سیدمیرمحمدعابد، سیدعلاءالدین حسین به همراه عده زیادی از برادرزادگان، خویشان و دوستان به قصد زیارت امام رضا (ع) از مدینه راهی خراسان شدند. (اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۹)

پس از آنکه کاروان احمد بن موسی به همراه برادران و خویشان به سوی خراسان حرکت کرد، مأمون، فرمانی به تمام حکام شهرها فرستاد و در آن دستور داد تا از حرکت کاروان ممانعت به عمل آورند. این فرمان به هر شهری که می‌رسید قافله از آن عبور کرده بود مگر در دو فرسنگی شهر شیراز، که قبل از رسیدن قافله به این شهر، حکم به حاکم وقت فارس (قتلغ خان) رسید. لشکر قتلغ خان، راه را بر کاروان بستند. سرانجام، جنگ خونینی میان دو طرف درگرفت. لشکر قتلغ خان شکست خوردند و تدبیری مکارانه اتخاذ کردند و شایعه‌ای را در بین سپاه احمد بن موسی (ع) راه انداختند که اگر به پشتوانه ولیعهد مسلمین - علی بن موسی الرضا (ع) - جنگ می‌کنید بدانید که وی رحلت کرده است. این خبر، ارکان افراد سست عنصر را به شدت لرزاند و به سرعت بیشتر افراد لشکر احمد بن موسی (ع) به اطراف پراکنده شدند. (اسلامی، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۳)

بنابراین احمد بن موسی (ع)، سیدمیرمحمدعابد و سیدعلاءالدین حسین به همراه دیگر برادران و خویشان، از بیراهه به سمت شیراز رفتند و چون دشمن در تعقیب آنان بود به ناچار با لباس مبدل وارد این شهر (شیراز) شده تا گرفتار ماموران خلیفه (مأمون عباسی) نشوند. و در منزل دوستان اهل بیت به زندگی مخفیانه روی آوردند. اما جاسوسان بسیاری از طرف قتلغ خان، در پی امامزادگان بودند تا اینکه بعد از یک سال، سیدامیراحمد (ع) را در خانه یکی از دوستان اهل بیت (ع) یافتند، این خبر به ماموران حکومتی رسید و لشکر بسیاری برای دستگیری آن حضرت فرستادند و او را به شهادت رساندند. پس از شهادت احمد بن موسی (ع)،

حضرت سیدعلاءالدین حسین که او نیز در خفا به سر می‌برد در سال (۲۰۳هـ.ق) توسط عمال حاکم وقت، به شهادت رسید. پس از آنکه احمد بن موسی (ع) به همراه دو برادر و دیگر خویشان خود، مخفیانه به شیراز رفتند، دیگر امام زادگان نیز به اطراف پراکنده شدند و به نظر می‌رسد که بیشتر امام زادگان ایران، متفرق شدگان از همین سپاه باشند. (همان: ۲۴-۲۵)

اما درباره سن آن حضرت، نقل مشهور آن است که وی در سن (۱۳ سالگی) به شهادت رسید. اکثر منابعی که معتقدند حسین بن موسی (ع) در این سن به شهادت رسیده است از نویسندگان کتاب ریاض الانساب، نقل قول کرده‌اند. طبق مدارک تاریخی این خبر از دو جهت، غیر قابل قبول است، زیرا: ۱. با توجه به تاریخ زندانی شدن امام موسی کاظم (ع) و شهادت آن حضرت، بطلان گفته این نویسندگان، روشن می‌گردد. از سویی، اقوال مشهور، سال زندانی شدن آن حضرت را در سال (۱۷۹هـ.ق) و شهادت امام کاظم (ع) را در سال (۱۸۳هـ.ق) ذکر می‌کنند. بنابراین، حضرت، چهار سال آخر عمر خود را در زندان بوده و ارتباطی با همسران خود نداشته‌اند. از سوی دیگر، حسین بن موسی (ع) بین سال‌های (۲۰۱-۲۰۳هـ.ق) به ایران آمده است. و اگر از سال (۱۸۳هـ.ق) تا تاریخ شهادت حضرت سیدعلاءالدین حسین در سال (۲۰۳هـ.ق)، حدود ۱۹ سال می‌شود. بنابراین وی بیش از بیست سال داشته است؛ زیرا آمدن فرزندان امام کاظم (ع) بعد از جریان ولایت‌عهدی امام رضا (ع) بوده است نه قبل از آن.

۲. غیر از امام رضا (ع)، در اکثر منابع تاریخی معتبر که شرح احوال فرزندان امام موسی کاظم (ع) را آورده‌اند، به سن هیچ‌یک از فرزندان امام کاظم (ع)، اشاره‌ای نشده است. اینکه نویسندگان ریاض الانساب، آن را چگونه به دست آورده، قابل تأمل است.

۳. دیگر آنکه، همه منابع اتفاق نظر دارند که فرزندان امام موسی کاظم (ع) در مدینه بوده‌اند. و با توجه فاصله زمانی به سال شهادت امام کاظم (ع) (۱۸۳هـ.ق) و هجرت امام رضا (ع) از مدینه به خراسان در سال (۲۰۰هـ.ق) و با فرض اینکه سال تولد حسین بن موسی (ع)، مصادف با سال شهادت پدر بزرگوارش بوده باشد و یا حتی چند سال قبل از آن هم باشد، سن حسین، بین ۱۷ تا ۲۰ سال می‌شود. بنابراین، با توجه به قراین یاد شده، سن ۱۳ سالگی که برای شهادت این امام زاده، در نظر گرفته‌اند، مردود است.

بررسی مزارهای منسوب به حسین بن موسی (ع) و نقل اقوال مختلف راجع به آن

دلایل مدفون شدن حسین بن موسی (ع) در طبس

در طبس مزار با شکوهی است که به حسین بن موسی (ع) منسوب است. اهالی این شهر، اعتقاد خاصی به این مزار دارند. جلالی در کتاب مشاهیر امام زادگان ایران در این باره می نویسد: « مزار طبس از آن حسین بن موسی بن جعفر الملک بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر الاطراف بن الامام علی (ع) است که در قرن سوم ه.ق در خراسان می زیسته و به جهت تشابه اسمی به فرزند امام موسی کاظم (ع) شهرت پیدا کرده است». (فقیه محمدی جلالی، بی تا: ۳۸۰-۲/۳۹۹) امام فخر رازی نیز در الشجره المبارکه آورده که اهالی شهر طبس بر این باورند که مدفن حسین بن موسی در طبس هست و اولاد او نیز در طبس بوده اند، و ساداتی از نسل او در طبس موجود هستند. (فخر رازی، ۱۴۰۹ه.ق: ۲۰۹) اما از محل دفن وی به صراحت سخن نگفته است. به نظر می رسد با وجود آنکه وی در خراسان بوده و تمام نسب او با حسین بن موسی بن جعفر (ع) تشابه داشته، بعید نیست که مدفن وی همان جا باشد و تشابه اسمی موجب پیدایش این توهم شده باشد. (الفقیه محمدی الجلالی، ۱۳۷۹: ۲/۱۳۳)

دلایل مدفون شدن حسین بن موسی (ع) در قزوین

برخی مدفن حسین بن موسی (ع) را در قزوین می دانند و عده ای دیگر معتقدند که آن متعلق به حسین بن علی بن موسی الرضاع (ع) است. (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، ج ۲، ۱۳۷۶: ۱۵۸-۱۶۰) اما هیچ یک از این دو دیدگاه، صحیح به نظر نمی رسد زیرا اکثر علمای انساب بر این نظر متفق اند که شخصیت مدفون در این بقعه، کسی نیست جز ابو عبدالله الحسین الثائرین علی بن داود بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر الطیار (ع). (ابن طباطبا، ۱۳۸۸ه.ق: ۲۵۱؛ شیخ الشرف عبیدلی، ۱۴۱۳ه.ق: ۳۳۸؛ عمری، ۱۴۲۲ه.ق: ۳۰۵؛ مروزی علوی، ۱۴۰۹ه.ق: ۱۸۸؛ کمونه حسینی، ۱۴۰۸ه.ق: ۱۵۸)

ابن عنبه نیز در عمده الطالب نیز همین نظر را دارد. وی در این باره می نویسد: « ابی عبدالله الحسین الثائر بقزوین و قبره بها، له عقب کثیر بمراغه و الکوفه و الشاش و قزوین و الاهواز...». (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۷۱)

دلایل مدفون شدن حسین بن موسی(ع) در جوپار کرمان

در جوپار کرمان نیز بارگاهی وجود دارد که دارای صحن، حرم، گنبد و رواق است. و گفته شده که آنجا مدفن امامزاده حسین، از اولاد امام موسی بن جعفر(ع) و برادر حضرت شاه چراغ است. (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۱۷-۱۱۸؛ دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۲/۱۱۵) اما این ادعا صحت ندارد زیرا تنها دو نفر به نام حسین، به آنجا(کرمان) مهاجرت کرده اند: یکی حسین بن علی بن احمد المختصی بن عیسی بن زید الشهید(ع) (ابن طباطبا، ۱۳۸۸هـ.ق: ۲۸۰؛ شیخ الشرف عبیدلی، ۱۴۱۳هـ.ق: ۲۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۱۵۷؛ مروزی علوی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۵۴) و دیگری حسین ابو عبدالله بن الحسین ذی الدمه بن زید الشهید(ع) است (فخر رازی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۱۴۲) که به احتمال زیاد از طرف محمد بن محمد بن زید الشهید(ع)، امارت کرمان را بر عهده داشته که پس از شکست این قیام در سال(۲۰۰هـ.ق)، حسین بن حسین ذی الدمه نیز در کرمان به شهادت رسید و در این مکان به خاک سپرده شده است. این شواهد گواهی می دهند که این مزار از آن اوست. (فقیه محمدی جلالی، بی تا: ۱۸۹-۱/۱۹۱)

دلایل مدفون شدن حسین بن موسی(ع) در شیراز

عبدالرزاق کمونه در کتاب آرامگاه های خاندان پاک پیامبر(ص) به نقل از شیرازنامه می گوید: آنچه از تاریخ شیرازنامه درباره ی مدفن حسین بن موسی(ع)، نقل شده، این است که وی در این قضیه، واسطه ای (نام فردی) را جا انداخته و آن که در شیراز است، حسین بن اسحاق بن کاظم(ع) است. (کمونه حسینی، ۱۳۷۵: ۱۶۱-۱۶۲)

دلایل مدفون شدن حسین بن موسی(ع) در کوفه

سیدحسین براقی در تاریخ کوفه درباره مدفن حسین بن موسی(ع) چنین می نویسد: «مدفن حسین بن موسی کاظم(ع) در کوفه قرار دارد. حسین بن موسی کاظم(ع) در کوفه جان سپرد و در عباسیه دفن شد. به نظر من، آن قبری که در نزدیکی ام بعرو است و به قبر حسین شهرت دارد، از آن حسین بن موسی است. (البراقی النجفی، ۱۳۷۹هـ.ق: ۵۶) عبدالرزاق کمونه نیز از قول سیدجمال الدین عبدالله جرجانی نقل می کند که قبر حسین بن موسی در کوفه است. (کمونه حسینی، ۱۴۰۸هـ.ق: ۱۹۷)

وی(عبدالرزاق کمونه)در بخش دیگری از کتابش می افزاید: «در کوفه حسین بن موسی کاظم(ع) درگذشت. سیدحسین براقی این مطلب را گفته است و در عباسیه دفن شده و آن قبری است که نزد آنان معروف به قبر حسن است.» (حرزالدین، ۱۳۹۱هـ.ق: ۲/۷۴)

بررسی دو قول مشهور راجع به محل دفن حسین بن موسی (ع)

امام زاده حسین در طبس

وجه تسمیه حسین بن موسی (ع) به «مفقود»

براساس شواهد و مدارک تاریخی، سیاست خصمانه امویان و سپس عباسیان به گونه‌ای بود که نابودی اهل بیت پیامبر (ص) و برانداختن نام، نشان و آثارشان را سرلوحه کارهای خود قرار داده بودند. بنابراین، پس از مهاجرت فرزندان موسی بن جعفر و بنی هاشم به نقاط مختلف ایران، حسین بن موسی (ع) نیز به جانب طبس، روانه شد. بدین جهت به «مفقود» معروف شد و در کتاب‌های انساب، به طور مکرر از ایشان به «مفقود»، نام برده شده است.

ابن طباطبا (نسب شناس قرن پنجم هجری قمری) در منتقله الطالبیه در این باره می‌نویسد: «گروهی در طبس اند که به آنها موسوی گفته می‌شود و از اولاد مفقوداند و مفقود لقب گروهی از طالبیون است که ناشناخته بودند و بازماندگان نشان معروف به فرزندان فلان مفقود می‌باشند و در اینجا مراد، حسین بن موسی بن جعفر است.» (ابن طباطبا، ۱۳۸۸ هـ.ق: ۲۱۸)

عبیدلی نیز در تهذیب الانساب، چنین می‌نویسد: «قومی در طبس هستند که خود را به حسین بن موسی منتسب می‌دانند.» اما او و برخی از علمای انساب آورده‌اند که این قوم با یکی از علمای انساب مکاتبه نمودند و می‌خواستند که نسب نامه خود را تأیید کنند اما جواب مثبت دریافت نمودند. (شیخ الشرف عبیدلی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۱۶۶؛ ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۹۸)

از شواهدی که صحت لفظ «مفقود» را نسبت به امام زاده حسین بن موسی (ع) تأیید می‌کند، رونوشت نامه منسوب به امام رضا (ع) به حاکم طبس در مورد برادر گرامی‌اش که به آن دیار آمده و حضرت، در دو جای این نامه، کلمه «مفقود» را به کار برده‌اند. (عالم‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۲)

نامه منسوب به امام رضا (ع) به والی طبس:

نامه منسوب به امام رضا (ع) به والی طبس، گویای قدر و منزلت امام زاده حسین (ع) نزد برادر بزرگوارش (امام رضا (ع)) دارد. این نامه در ماه شعبان سال (۱۹۹ هـ.ق) نوشته شده است.

براساس تحلیلی که از رونوشت نامه منسوب به امام رضا (ع) به عمل آمده، چنین استنباط می‌شود که آن حضرت، نامه را در شأن برادرش حسین بن موسی به والی طبس نوشته‌اند. با توجه به تاریخ نگارش نامه و سن حسین هنگام مفقود شدن که در نامه به آن اشاره شده (...این فرزند حسین نام دارد، او نزدیک به بلوغ رسیده و در سن کودکان دوازده ساله است) و مدت زمانی که متواری بوده و مخفیانه به سر برده است، چنین برمی‌آید که تاریخ ولادت این امام زاده، اواخر قرن دوم هـ.ق یعنی حدود سال (۱۷۸ هـ.ق) بوده است و ظاهراً حسین از آخرین فرزندان موسی بن جعفر (ع)

بوده که دوران کودکی و نوجوانی وی مصادف با حکومت هارون الرشید (خلیفه عباسی) (۱۷۰-۱۹۳ هـ ق) و اعمال جنایات سنگین وی نسبت به خاندان پیامبر (ص) بوده است. (همان: ۴۳ - ۴۶)

همچنین از این نامه برمی آید که امام رضا (ع) همین که اطلاع یافتند حسین به جانب خراسان (طبرس) آمده، برای آگاه کردن عامر بن زروامهر (والی طبرس) که مورد اعتماد آن حضرت بود - و گویا از شیعیان نیز بوده است - نامه‌ای به وی نوشتند تا او را از ورود آن امامزاده به این شهر آگاه سازند، تا گزندی به وی نرسد.

سخنی درباره اصل نامه منسوب به امام رضا (ع)

درباره اصل نامه منسوب به آن حضرت، مرحوم محمدرضا اظهري که از نویسندگان اهل طبرس بود در مقاله خود چنین می نویسد: مطلعین محلی مدعی اند که اصل نامه نزد مرحوم میرزا غلامحسین متولی که علاوه بر تولیت امامزاده از مردان فاضل طبرس بوده و کتابخانه معتبری نیز داشته است مضبوط بوده که همواره آن را در صندوقی مقفل نزد خود حفظ می کرده است. پس از مرگش، یکی از دوستانش که به قصد شرکت در مراسم عزاداری متولی به طبرس رفته، آن را از ورثه گرفته است تا به کتابخانه آستان قدس رضوی تسلیم کند اما نه خصوصیات آن در دست است و نه از نامه مزبور در کتابخانه آستانه اثری به دست آمده است، اما سواد مکتوب در نزد بسیاری از علاقه‌مندان موجود است. نگارنده، سواد آن را در دیوان خطی میرزا علی منشی باشی متخلص به رشیدی مطالعه کرده است و توشیح داده که اصل آن را در خدمت میرزا غلامحسین متولی زیارت کردم. سپس، سواد آن را ضبط کردم. (اظهري، شماره ۱ و ۲، ۱۳۵۰: ۱۳۹)

وضعیت مقبره حسین بن موسی الکاظم (ع) در قرن پنجم هجری (طبرس)

این آرامگاه در سه کیلومتری شمال غربی طبرس واقع و شخص مدفون در آن به نام سلطان حسین بن موسی الکاظم (ع)، معروف است. از کیفیت بنای بقعه حسین بن موسی (ع) قبل از قرن پنجم هجری قمری، مدارکی به دست نیامده است. بنا بر برخی اسناد، بنای اولیه آن بارگاه در قرن پنجم هجری قمری بوده است. (عالمزاده، ۱۳۷۷: ۶۲؛ دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۶: ۲/۲۸۷)

در بالای دیواره حرم در چهارطرف، کتیبه‌ای به خط نسخ نگارش یافته است. کتیبه داخل حرم دارای یکی از قدیمی ترین تاریخ‌ها یعنی سال (۴۹۴ هـ ق) است. کتیبه فعلی، به هنگام تعمیر بنا در سال (۱۲۰۵ هـ ق)، توسط میرحسن خان نوشته شده است. امری که پیشینه ساختمان بنا را به قرن

پنجم هجری می‌رساند این است که در وسط بنا، ضریحی چوبین و در داخل آن، مرقد واقع گردیده که دارای تاریخ سال (۹۸۵هـ.ق) است. از ایوان صحن جنوبی امامزاده، دری به صحن دیگری باز می‌شود که «صحن نو» خوانده می‌شود. این بنای قرن پنجم با توجه به اعتقادات مردم محل در طول زمان مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته، تا جایی که برای شناسایی دقیق هسته اصلی آن باید بررسی‌های بیشتری بر روی آن صورت پذیرد. این بنا به شماره (۳۳۷) در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. (دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، ۱۳۷۶: ۲/۲۸۷؛ مشکوتی، ۱۳۴۹: ۸۹)

وضعیت مقبره حسین بن موسی الکاظم (ع) در قرن سیزدهم هجری (طبس)

مقبره امامزاده حسین بن موسی الکاظم (ع) در طبس از قدیم مورد توجه و استقبال مردم بوده و با تلاش ارادتمندان به اهل بیت (ع)، توسعه یافت و فضای سبز در آنجا ایجاد کردند، اما متأسفانه در زلزله ویران‌گر طبس به سال (۱۳۵۷هـ.ش) این بنا به کلی ویران شد. در این تخریب، قسمت اعظم منابع درآمد آستانه امامزاده نیز از بین رفته بود و بازسازی بقعه و اماکن جوار آن نیاز به هزینه‌های زیادی داشت، پس از آن آستان قدس رضوی، با مساعدت کامل، اقدام به بازسازی آن بقعه مبارکه و رواق‌های اطراف نمود و با به کارگیری طرحی جامع، بنایی کاملاً مطلوب و درخور شأن این امامزاده و در جهت رفاه حال زائران، ایجاد کرد.

براساس این طرح، توسعه و ایجاد اماکن فرهنگی، مذهبی و اقامتی در اطراف آن در نظر گرفته شد و گرداگرد بقعه، ایوان‌ها، حجره‌ها و تأسیسات زیادی برای رفاه حال زائران و دیگر هدف‌های مذهبی و فرهنگی ایجاد گردید و مساحت زیادی به فضای سبز در اطراف بقعه، اختصاص داده شد. (عالمزاده، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۴)

امام زاده سید علاء الدین حسین در شیراز

این قول که مدفن سیدعلاءالدین حسین(ع) در شیراز است، به اوایل قرن هشتم برمی‌گردد و شدالازار، اولین منبعی است که آن را ثبت کرده است. جنید شیرازی در کتاب شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار که در سال(۷۹۱هـ.ق) تألیف شده است، در این باره گزارش می‌کند: قتلغ خان حاکم شیراز^۱، باغی داشت. شب‌های جمعه نوری مشاهده می‌کنند که در مکانی از باغ می‌درخشد. خبر به قتلغ خان حاکم شیراز می‌رسد. او پس از مشورت با اهل علم، دستور می‌دهد برای یافتن حقیقت موضوع، خاک آن‌جا را بردارند. چون زمین را شکافتند، با جسدی برخورد نمودند که تازه و سالم بود، بدون اینکه تغییر یافته باشد. در حالی که نوری از چهره صاحب جسد ساطع بود و در یک دست صاحب جسد، قرآن و در دست دیگرش شمشیر قرار داشت. از نشانه‌های روشن و دلایل محکم متوجه شدند که آن جسد شریف، به سیدعلاءالدین حسین بن موسی کاظم(ع) تعلق دارد. آن‌گاه قتلغ خان دستور داد تا گنبد و بارگاهی بر مرقد مطهرش بسازند. (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۶۰) برخی از مورخان متأخر، شرح ماجرای آشکار شدن مدفن سیدعلاءالدین حسین را به اشتباه به جای احمد بن موسی(ع) آورده‌اند. (سامی، ۱۳۶۳: ۳۳۳-۳۳۴) علامه مجلسی در بحارالانوار و فرصت الدوله در آثارالعجم، با تفاوت‌هایی آنچه را که مؤلف شدالازار بیان کرده، نقل کرده‌اند. علامه مجلسی می‌نویسد: « بعضی نوشته‌اند که علاءالدین حسین بن موسی در حالی که وارد این باغ شد او را شناختند و متوجه شدند که او از بنی‌هاشم است؛ پس او را کشتند. بعد از مدت‌ها آن باغ خراب شد و آثار آن از بین رفت و تنها تلی از خاک باقی ماند تا این که در دوران صفویه، قبر این بزرگوار را از علامات یاد شده شناختند.» (مجلسی، ۱۴۲۳هـ.ق: ۱۹/۶۷۰؛ سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳۳-۱۳۴)

فرصت الدوله نیز می‌نویسد: « بنابر آنچه این فقیر تتبع یافتم، این است که آن بزرگوار در باغ قتلغ خان تشریف برده و او را شناختند و شهیدش نمودند.» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۵۴)

۱. قتلغ، کلمه‌ای ترکی است، به معنای بزرگ، و به افرادی که به حکمت منصوب می‌شوند، اطلاق می‌شده است. و منظور اتابک مظفرالدین قتلغ خان، ابوبکر بن سعد بن زنگی، پنجمین اتابک سلغری است که از سال(۶۲۳-۶۵۸ هـ.ق) بر منطقه فارس حکومت می‌کرد. وی که ممدوح شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است، با ایلیخان مغول از در اطاعت درآمد و به او لقب قتلغ خان، پادشاه خوشبخت دادند. بنابراین، نباید او را با قتلغ خان که از طرف مامون خلیفه عباسی در آغاز قرن سوم هجری قمری با احمد بن موسی(ع) نبرد و در نتیجه، وی و یارانش را به شهادت رساند، اشتباه گرفت. (ابن شهید ثانی، ۱۴۰۱هـ.ق: ۳۱-۲/۳۳)

فرصت الدوله، در آثار العجم و سلطان الواعظین، در شب‌های پیشاور، زمان کشف مدفن حسین بن موسی (ع) را در عهد صفویه ذکر کرده‌اند. (همان: ۴۵۳؛ سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۲۴) ملک‌الکتاب شیرازی در ریاض‌الانساب، درباره آمدن حسین بن موسی (ع) به شیراز، جریان شهادت و آشکار شدن مرقد آن بزرگوار، چنین گزارش می‌کند: سید علاء‌الدین حسین بن موسی بن جعفر (ع) برادر کوچکتر احمد بن موسی است. به سن سیزده سالگی بوده که بعد از تفرقه امام زادگان در شیراز در محله باغ قتلغ خان افتاد. در آن محله شاه را باغی بود. آن بزرگوار به در باغ رسید و از ترس معاندین، خود را در آن باغ پنهان ساخت. چون سه روز گذشت، باغبان اطلاع یافته به جستجوی او برآمد تا آنکه آن معصوم را دید که بر نهر آب مشغول گرفتن وضو است. پس آن ظالم، از عقب آن امام زاده برآمد و بیلی در دست داشت، بر سر آن مظلوم زد. چون حسین این را بدید فرار نمود. باغبان او را تعقیب کرد و چند بیل دیگر بر او زد و بدن او را پاره پاره نمود و دور انداخت. جمعی از دوستان اهل بیت خبر یافتند و در شب، قطعات بدن حسین را جمع آوری کرده و دفن نمودند. تا زمان سلطان اتابک که آثار غریبه از آن موضع ظاهر گردید، اتابک گنبدی بر قبر شریفش بنا کرد و به گنبد باغ، اشتهار یافت. (صاحب تاجر شیرازی، ۱۳۳۵هـ: ۱۵۴)

خبر ریاض‌الانساب با خبر جنید شیرازی در شدالازار، تفاوت دارد. به نوشته جنید: «... چون حفر زمین و خاک برداری صورت می‌گیرد، جسد شخصی صاحب قدر و جلال ظاهر می‌گردد با صورتی نورانی و درخشان و بدنی تر و تازه در حالتی که در دستی قرآن و در دستی دیگر شمشیری نازک و باریک دارد.» در حالی که ملک‌الکتاب شیرازی در ریاض‌الانساب می‌نویسد: «جمعی از دوستان اهل بیت خبر یافتند و در شب، قطعات بدن حسین را جمع‌آوری کرده و دفن نمودند.»

با توجه به نقل قول شیرازی در ریاض‌الانساب چنین استنباط می‌شود که: اگر چنین بود باید مدفن او قبل از قرن هشتم هجری مشهور می‌شد. نه اینکه مدفن آن بزرگوار در قرن هشتم هجری، معلوم شود و قبل از آن، هیچ سابقه تاریخی درباره آن وجود نداشته باشد. بنابراین، باید بر درستی اخباری که نویسنده ریاض‌الانساب به دست آورده، شک کرد و تأمل نمود که وی چنین اخباری را از کجا به دست آورده است.

وضعیت مقبره سیدعلاءالدین حسین(ع) در قرن هشتم هجری قمری(شیراز)

این بارگاه از زیارتگاه‌های مهم شیراز است و در کوچه مجاور مسجد جمعه شیراز قرار دارد. به نظر می‌رسد صاحب آن مرقد، فرزند امام موسی بن جعفر(ع) و برادر سید میراحمدشاه چراغ است. بنای اولیه بقعه در زمان قتلغ‌خان که در اواخر قرن هشتم هـ.ق یا آغاز قرن نهم هجری قمری در شیراز حکومت داشته، برپاشده و باغی نیز در محله کنونی بقعه احداث شده است. در اواسط سلطنت صفویه، مسافری از اهالی مدینه به نام میرزا علی که به شیراز آمده بود، این بنا را تعمیر اساسی کرد و املاکی را نیز بر آن وقف کرد. این مکان، یک صحن بسیار بزرگ با دو در دارد. اصل بنای سیدعلاءالدین حسین(ع)، در سمت شرقی این صحن بزرگ واقع شده که آن نیز دارای دو در است؛ در اصلی که مستقیماً داخل حرم و در دوم که رو به قبله است و داخل صحن کوچکتری باز می‌شود. قدیمی‌ترین کتیبه موجود بالای در حرم دارای تاریخ(۹۲۳هـ.ق) است. بر اثر گذشت روزگار، لطمه شدیدی به گنبد وارد شده بود که در سال(۱۳۲۹هـ.ش)، آن را برداشته و گنبد جدیدی با اسکلت آهنی به جای آن نصب کرده‌اند. این بقعه در سال(۱۳۱۶هـ.ش) به شماره(۳۰۷) در فهرست آثار تاریخی ایران ثبت شده است. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۶۷-۶۸؛ کریمی، ۱۰۱: ۱۳۴۴-۱۰۴)

نتیجه گیری:

از مطالبی که در مورد شرح حال و شخصیت حسین بن موسی کاظم (ع) بیان شد می توان دریافت که این امام زاده، فرزند بلافصل امام موسی کاظم (ع) است و هیچ گونه تردیدی در این زمینه میان علمای علم نسب نبوده است. از جمله نکات مبهمی که در مورد زندگی این بزرگوار وجود دارد، سن ایشان هنگام شهادت، اینکه آیا او دارای نسل بوده است یا خیر و محل و مکان اصلی شهادت و مدفن وی در کجا قرار دارد.

درباره سن حسین بن موسی (ع) هنگام شهادت، با توجه به فاصله زمانی سال شهادت امام کاظم (ع) (۱۸۳ هـ.ق) و هجرت امام رضا (ع) از مدینه به خراسان در سال (۲۰۰ هـ.ق) و با فرض اینکه سال تولد حسین بن موسی (ع)، مصادف با سال شهادت پدر بزرگوارش بوده باشد و یا حتی چندسال قبل از آن هم باشد، سن حسین، بین ۱۷ تا ۲۰ سال می شود. بنابراین اقوالی که سن آن حضرت را هنگام شهادت (۱۳ سال) در نظر گرفته اند، کاملاً مردود است. راجع به فرزندان حسین بن موسی (ع) اقوال متعددی نقل شده است. معمولاً اقوالی که سن او را هنگام شهادت، (۱۳ سال) می دانند معتقدند که او دارای نسل نیست و بیان شد که این نظر، مردود است. اما تعدادی از منابع انساب، وی را دارای نسل می دانند و بعضی دیگر هم معتقدند، حسین بن موسی (ع)، فرزند یا فرزندان داشته اما نسل او منقرض گردیده است.

در بررسی مرقد‌های منسوب به حسین بن موسی (ع)، بیان شد که مزارهای متعددی به نام وی، منسوب شده است. بدیهی است که اثبات صحت نسب شخصیت مدفون در یکی از این مزارها، محال است و ناگزیر نفی سایر بقاع منسوب به آن امام زاده را در پی خواهد داشت. این قاعده در صورتی دلالت دارد که گزارش معتبری از مدفون بودن امام زاده مورد نظر در آن شهر و یا دست کم گزارشی از هجرت وی به ایران در اختیار ما باشد. در این پژوهش سعی شده که با توجه به منابع تاریخی و با بهره گیری از گمانه زنی، اقوالی را که به حقیقت نزدیک تر است، بیان شود:

۱. اگر نامه منسوب به امام رضا (ع) - در ماه شعبان سال (۱۹۹ هـ.ق) - به والی طبرس (که ظاهراً او نیز از شیعیان بوده)، درباره ی متواری شدن امام زاده حسین (ع) (برادر امام رضا (ع)) و سفارش آن امام و آگاه کردن آن والی مبنی بر، در امان نگه داشتن برادر بزرگوارش از دست عمال عباسی، معتبر باشد، نشان می دهد که حسین بن موسی (ع) به خاطر گرفتار نشدن به دست مأموران حکومت عباسی، به طبرس فرار کرده و به زندگانی مخفی روی آورده است و بعدها شیعیان به منظور احترام برای او که مدتی در این شهر زندگی می کرده، بقعه و بارگاهی ساختند.

۲. دلیل دیگر اینکه، ممکن است حسین بن موسی (ع) برای آنکه گرفتار عمال حکومت عباسی نشود به طبرس فرار کرده و به زندگانی مخفی روی آورده و بعدها پس از شناسایی مکان اختفاء وی توسط عمال حاکم وقت، به شهادت می‌رسد و شیعیان به دلیل آنکه طبرس، مکان و محل اصلی شهادت بوده، برای او، بارگاهی ساختند.

۳. دیگر اینکه، ممکن است حسین بن موسی برای آنکه به دست مأموران حکومت عباسی گرفتار نشود، به طبرس فرار کرده و به زندگانی مخفی روی آورده و بعدها پس از شناسایی مکان اختفاء وی، توسط عمال حاکم وقت، به شهادت می‌رسد و شیعیان برای آنکه جسد این امامزاده به دست مأموران حکومت عباسی نیفتد، آن پیکر مطهر را در سال‌های اولیه شهادت، از طبرس به شیراز منتقل کردند و مدفن نهایی وی در شیراز می‌باشد که به «آستانه» معروف است. و نظر مورخان که محل دفن حسین بن موسی (ع) را شیراز می‌دانند ناشی از این پندار می‌باشد. با توجه به این گمانه‌ها، گمانه قوی آن است که:

نظر مورخان که معتقدند مکان مدفن حسین بن موسی (ع) در شهر طبرس است به قرن پنجم هجری قمری برمی‌گردد، زیرا از یک سو، از کیفیت بنای بقعه حسین بن موسی (ع) قبل از قرن پنجم هجری، مدارکی بدست نیامده است. کتیبه داخل حرم دارای یکی از قدیمی‌ترین تاریخ‌ها یعنی سال (۴۹۴هـ.ق) است. و از سوی دیگر، بر اساس رونوشت نامه منسوب به امام رضا (ع) به حاکم طبرس در مورد برادر گرامی‌اش که به آن دیار آمده و زندگانی مخفی او در این شهر، وی مدت‌ها در طبرس زندگی می‌کرده و بعدها پس از شناسایی مکان اختفاء وی توسط عمال حاکم وقت، به شهادت می‌رسد. و شیعیان برای آنکه جسد این امامزاده به دست عمال جور عباسی نیفتد، آن پیکر مطهر را در همان اوایل شهادت، از طبرس به شیراز منتقل کردند. اما اقوالی که مکان مدفن حسین بن موسی (ع) را در شهر شیراز می‌دانند به قرن هشتم هجری قمری برمی‌گردد، زیرا از یک طرف، قدیمی‌ترین کتیبه موجود بالای در حرم دارای تاریخ (۹۲۳هـ.ق) است و از طرف دیگر، مورخان بعدی که این نظر (دفن در شیراز) را پذیرفته‌اند، عموماً تحت تأثیر سخنان مورخان قرن هشتم هجری قرار گرفته و به آن استناد نموده‌اند.

کتابنامه

۱. ابن بلخی، (۱۳۴۳)، فارسنامه ابن بلخی قدیم‌ترین تاریخ و جغرافیای فارس، به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس.
۲. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، (۱۴۰۱هـ.ق)، تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم، لمولفه جعفر آل بحر العلوم الطباطبائی، چاپ دوم، ج ۲، تهران: مکتبه صادق.
۳. ابن طباطبا، علامه نسابه ابواسماعیل ابراهیم ناصر، (۱۳۸۸هـ.ق)، منتقله الطالبیه، تحقیق علامه سید محمد مهدوی سید حسن خراسانی، نجف الاشرف: انتشارات مکتبه حیدریه.
۴. ابن عنبه، جمال الدین احمد، (۱۳۶۲)، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، چاپ سوم، قم: انتشارات رضی.
۵. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۴۵)، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵)، الاعلاق النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
۷. اسلامی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، جلوه‌گاه نور، شیراز: تخت جمشید.
۸. اصطخری کرخی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارس، (۱۳۴۰)، المسالک و الممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. اظهري، محمدرضا، (۱۳۵۰)، امامزاده طیس، نامه آستان قدس، شماره ۱ و ۲.
۱۰. بخاری، ابی نصر، سهل بن عبدالله، (۱۳۸۱هـ.ق)، سرّ السلسله العلویه، تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: مطبوعه حیدریه.
۱۱. البراقی النجفی، حسین بن احمد، (۱۳۷۹هـ.ق)، تاریخ کوفه، به تحریر سید محمد صادق آل بحر العلوم، الطبع الثانی، نجف: مطبوعه الحیدریه.
۱۲. جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، (۱۳۲۸)، شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، تحقیق علامه قزوینی، تهران، انتشارات نوید.
۱۳. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، چاپ اول، مشهد: شرکت به نشر.
۱۴. حرزالدین، محمد، (۱۳۹۱هـ.ق)، مرآة المعارف، ج ۲، نجف: انتشارات سعید بن جبیر.
۱۵. حسینی فسایی، میرزا حسن، (۱۳۶۷)، فارسنامه نصری، تهران: امیرکبیر.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۳هـ.ق)، معجم الرجال الحدیث، طبع الثالث، ج ۶، بیروت: منشور مدینه العلم.

۱۷. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی، (۱۳۶۷)، ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
۱۸. روضاتی، سید محمدعلی، (۱۳۳۵)، جامع الانساب، ج ۱، اصفهان: انتشارات جاوید.
۱۹. سامی، علی، (۱۳۶۳)، شیراز شهر جاویدان، چاپ سوم، لوکس: شیراز.
۲۰. سلطان‌الواعظین شیرازی، سیدمحمد، (۱۳۵۰)، شب‌های پیشاور، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. شیخ‌الشرف عبیدلی، ابی‌الحسن محمدبن ابی‌جعفر، (۱۴۱۳هـ.ق)، تهذیب‌الانساب و نهایت‌الاعقاب، استدراک و تعلیق عبدالله الشریف الحسین بن محمدالمعروف بابن الطباطبایا الحسنی النسابه، تحقیق محمدکاظم المحمودی، اشراف المحمودی المرعشی، قم: مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی العامه.
۲۲. شیخ‌صدوق، ابی‌جعفر محمدبن علی، (۱۳۹۰هـ.ق)، عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۲، نجف: المطبعه الحیدریه.
۲۳. شیرازی، عیسی بن جنید، (۱۳۶۴)، هزارمزار (تذکره هزارمزار)، شیراز: انتشارات کتابخانه احمدی.
۲۴. -----، فرصت الدوله، (۱۳۶۲)، آثارالعجم، بی‌جا: انتشارات بامداد.
۲۵. صاحب تاجر شیرازی، محمد، (۱۳۳۵هـ.ق)، ریاض‌الانساب و مجمع‌الاعقاب (بحر‌الانساب)، بی‌نا: بمبئی.
۲۶. طوسی، ابی‌جعفر محمدبن الحسن، (۱۳۸۴هـ.ق)، الامالی، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۷. -----، (۱۴۰۱هـ.ق)، تهذیب‌الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تحقیق: سیدحسن موسوی خراسانی، ج ۱، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف.
۲۸. عالم‌زاده، بزرگ، (۱۳۷۷)، موسی بن موسی (ع) ستاره پرفروغ آسمان کویر، مشهد، شرکت به نشر.
۲۹. عرفان منش، جلیل، (۱۳۷۷)، زندگانی و قیام احمدبن موسی، شیراز: دانشنامه فارس.
۳۰. عمری، نجم‌الدین ابی‌الحسن علی بن محمدبن علی بن محمد، (۱۴۲۲هـ.ق)، المجدی فی انساب الطالبیین، تحقیق: احمد المهدوی الدامغانی، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیة الله المرعشی.
۳۱. فخررازی، ابی‌طالب محمد، (۱۴۰۹هـ.ق)، الشجره المبارکه فی انساب طالبیین، تصحیح سید مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
۳۲. الفقیه المحمدی الجلالی، محمد مهدی، (۱۳۷۹)، کشف‌الاستار فی مرآة ابناء الائمة الاطهار، ج ۲، قم: مکتبه الشریف الرضی.

۳۳. -----، بی تا، مشاهیر امامزادگان ایران، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات معاونت بقاع متبرکه سازمان اوقاف و امور خیریه.
۳۴. قدامه بن جعفر، ابوالفرج، (۱۳۷۰)، کتاب الخراج، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران: البرز.
۳۵. قرشی، باقر شریف، (۱۴۱۳هـ.ق)، حیاة الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، بیروت: دارالبلاغه.
۳۶. کریمی، بهمن، (۱۳۴۴)، راهنمای آثار تاریخی شیراز، تهران: اقبال.
۳۷. کشی، محمد بن عمر، بی تا، [معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين. تلخیص] گزارشی از کتاب اختیار معرفه الرجال شیخ طوسی "معروف به رجال الکشی"، نوشته حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۳هـ.ق)، فروع الکافی، ج ۶، بیروت: دارالتعارف.
۳۹. کمونه حسینی، عبدالرزاق، (۱۳۷۵)، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین، چاپ دوم، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۰. -----، (۱۴۰۸هـ.ق)، مشاهد العترة الطاهرة و اعیان الصحابه و التابعین، بیروت: موسسه البلاغ.
۴۱. کیا، گیلائی، سید احمد بن محمد بن عبدالرحمن، (۱۴۰۹هـ.ق)، سراج الانساب، تصحیح سید مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۲۳هـ.ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱۹، بیروت: دارالتعارف.
۴۳. -----، (۱۴۰۳هـ.ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۴۸، بیروت: موسسه الوفاء.
۴۴. مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، (۱۳۶۸)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران: انتشارات شرق.
۴۵. مروزی علوی، اسماعیل بن حسین، (۱۴۰۹هـ.ق)، الفخری فی انساب الطالبین، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۶. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد بن نصر، (۱۳۴۶)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر.
۴۷. مشکوتی، نصرت الله، (۱۳۴۹)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۴۸. مصطفوی، محمد تقی، (۱۳۴۳)، اقلیم پارس، تهران: انجمن آثار ملی.

